

انتقاد از خود و پاسخ به این پرسش که ، چرا سمینار چهارم زندانیان سیاسی یوتوبوری سوید، چرخش به راست داشته است؟

نادر خلیلی

December 10, 2011

قبل از طرح هر مسئله ای، من این انتقاد را بر خود وارد می دانم که پیشتر، چرخش به راست سمینار چهارم زندانیان سیاسی را ناصداقانه دانسته ام و مدتهاست که عکس این مسئله به من ثابت شده است. عدم شناخت کافی از سخنرانها_ اعتماد به رفقای گفتگوهای زندان و احساسی برخورد کردن با مسائل، مرا دچار توهمی کرد که بر خود نمی بخشایم. زیرا که میدانم، زندانیان جانباخته ی مبارزانقلابی و قهر آمیز، در دهه های مختلف، به جوخه های اعدام سپرده شدند و جانانشان را از دست دادند.

ایشان هیچ سازشی با سیستم سرمایه داری ایران، از خود نشان نداده و متقابلا هستی خود را در راه مبارزه، کاملا از دست دادند. اگر پرچم دفاع از ایشان برداشته می شود، این کار می بایستی صادقانه و بدون هیچ سازشی صورت بگیرد. خصوصا در دوره ی تبعید. حال اینکه روند سمینار چهارم، به روشنی گرایش به راست و حقوق بشر را، نشان می دهد. سخنرانهایی مثل خانم الهه امانی، فعال حقوق بشر_ شاعر به تمام معنا سبز و راستی به اسم نعمت آزرم_ سخنرانهایی چون شادی صدروهمچنین در افتتاحیه، صحبت کسانی مثل آراز فنی که از فعالین حقوق بشر با پیشینه ای حاکی از گرایش اکثریت و سبز دافع موسوی و کروی است ... این نمای راست و گرایش به راست را تصویر می کند. صحبت بر سر شخص و فردا لحاظ انسانی نیست بلکه گرایش فکری و خط سیاسی است که معضل آفرین بوده است. در نهایت تاسف هنوز هم گفتگوهای زندان (کمیته ی شهری و برگزاری سمینار) هیچ نقدی بر این گرایش و چرخش به راست ننوشته اند و هنوز هم ارزیابی ایشان از سمینارها، به خصوص گرد همایی چهارم، کاملا مثبت می باشد! گزارش و ارزیابی کمیته های شهری و کمیته ی برگزاری در نشست اتاق پویش در پالناک، و نشر ارزیابی های ایشان، در سایتها، حاکی از همین مطلب می باشد(با توضیح اینکه گزارش کمیته ی شهری با مخالفت شش نفر از رفقا، که یکی از ایشان من بودم، منتشر شد.

گفتگوهای زندان بر این باور است که مجموعه ی آن (یعنی گفتگوها) از هر لحاظی فراجزبی و فراسازمانی است و سیستم هر می وافقی رانیز، قبلا به نقد کشیده و کاملا این شیوه ی سنتی و مبارزاتی را مردود دانسته و تصمیم گیری ها، از هر جهت جمعی و سوسیالیستی است. اما عملکرد شیوه ی سنتی سیستم هر می، سایه گستر این تشکل مدعای فراسازمانی و فراجزبی است.

گفتگوهای زندان همچنین بابا و مدعی چپ کمونیستی رادیکال، در جهت دفاع از زندانیان سیاسی و ایجاد جامعه ی بی طبقه کمونیستی، فعالیت می کند.

به نظر می آید که مجموعه ی این رفقا نهایت تلاش را کرده اند تا از اهداف خود سر باززنند اما آنچه در سمینار چهارم روی داد، چیزی در تناقض با باور و عملکرد گفتگوهاست زیرا

در سمینار چهارم زندانیان سیاسی، حتی یک سخنران از فعالین کارگری و جنبش کارگری، نداشتیم. این در حالی _ 1 است که باور و دریافت چپ کمونیستی، هرگز دور از طبقه ی کارگر نمی تواند باشد. مسئله بر سر نگاه طبقاتی است. اینکه در نقطه ی مقابل، سخنرانی در جهت اهداف «حقوق بشر» صورت گرفت، نگاه طبقاتی را به نمایش می گذارد و اینکه حقوق بشر، با شاخه های متفاوت و فراوانش، چگونه از طبقه ی بورژوازی و در تقابل با پرولتاریا، گام می زند. من از لحاظ انسانی، هیچ مشکلی بر حضور شخصی که در مسیر اهداف سازمان حقوق بشر، فعالیت میکند؛ نمی بینم اما عملکرد و نگاه طبقاتی فرد، و تاثیر تخریبگر آن است که مورد منظور من و بسیاری دیگر از رفقای لوگوس، می باشد. فراموش نکنیم که سازمان حقوق بشر، همواره در تلاش بوده و هست که اپوزیسیون های کشورها را با حکومت های آن کشورها، آشتی بدهد. این هدف درست نقطه ی تلاقی مشکلاتی است که پس از آن، به مانند آواری ننگین و فرومایه، بر سر طبقه ی کارگر فرو می ریزد. آیا بورژوازی در تقابل با طبقه ی پرولتر، قهر آمیز عمل نکرده است؟ آیا به انواع و اشکال مختلف، طبقه ی کارگر را به استثمار نکشیده است؟ و آیا رژیم اسلامی ایران، خود حلقه ای از سیستم سرمایه داری جهانی نیست؟ آیا کشتارهای دهه های مختلف در هر دور رژیم شاهی و اسلامی فعلی، در جهت حفظ نظام سرمایه داری نبوده است؟ و آیا اعدامهایی که صورت گرفته، در جهت نفع نظام «سرمایه داری جهانی نبوده است؟ سازمان حقوق بشر، که خود حلقه ای است از نظام سرتاسری «سرمایه» در سطح جهان، چرا و با چه هدفی، اپوزیسیون ها را با دولت ها و حکومت ها، آشتی می دهد؟! اصولا پرسش این است که این آشتی و منفعل شدن فعالین چپ کمونیستی، به نفع کدامین طبقه، تمام می شود؟ بورژوازی یا طبقه ی کارگر؟

بعد از تحقیق و بررسی فایل های سخنرانی ها و نشست های فعالین حقوق بشری، و تحلیل اهداف آنها، به این نتیجه رسیده ام که، ایشان در تلاش هستند تا با شیوه های گوناگون، احزاب و سازمانها و حتی افراد و شخصیت های فعال انقلابی و چپ

کمونستی را، از طریق جذب ایشان به سازمان حقوق بشر، منفعل کنند. دریافت من این است که در این هدف خود، تا اندازه ی زیادی هم موفق بوده اند. در سمینار چهارم زندانیان سیاسی، بحث خانم الهه ی امانی و سیروس کفایی، تحت عنوان «گرامت» تلاقی گفتمانی مشترک را داشت. سخنرانی سیروس کفایی، ساده و بدون پیچیدگی، به صورتی انحرافی به دنبال «گرامت» بود و اینکه حکومت اسلامی (و یا هر رژیمی که پس از آن بر سر کار بیاید) بایستی غرامت اعدام زندانیان را بپردازد

سخنرانی خانم الهه امانی، در همین بحث غرامت، کاتیگرایزتر و پیچیده تر بود. اما در واقع، هر دو سخنرانی اعتبار بخشیدن به همان رژیمهایی است که اعدامها را انجام داده اند. علت در این است که، شما با طرح مسئله ی غرامت کشتار زندانیان سیاسی، مسئله ای مثل همان قانون قصاص اسلامی را پیش کشیده اید. و ایشان دارای آن اعتبار می شوند که بایستی غرامت بپردازند! این اعتبار بخشیدن به رژیمهای دیکتاتور مآب، تنها می تواند از کانال سازمان «حقوق بشر» بگذرد، زیرا که مبارزه ی قهر آمیز کمونیست ها، هیچگاه با اندیشه ی غرامت با این معنا سازگاری و همخوانی نداشته است و ندارد. بلکه ایشان به دنبال ایجاد جامعه ی بدون طبقه هستند و برای آن مبارزه می کنند

درگیری هر دو طبقه ی بورژوازی و کارگر، نیز قهر آمیز است و این مبارزه، دارای تاریخی است که آغازش همان زمانی است که واژه ی «مالکیت» به میان اجتماع رفت و سرمایه دار، با در دست داشتن «سرمایه» به مرور و با ترفند ایجادارش ذخیره ی کار_ چرخش سرمایه و غیره... طبقه ی سازنده و کارگر_ های بسیار پیچیده (مثل ارزش اضافه رابه استثمار کشید. این مبارزه و درگیری هرگز قطع نشده است و هر آن، ادامه داشته و دارد زیرا که کارگری و بازوی خود را و هستی اش را می فروشد، و کار می کند و همزمان کارفرما و سیستم سرمایه، در جهت اهداف و زیاده خواهی خود، کارگر را به چالش می گیرد. به تعبیری بسیار ساده تر، تا زمانی که کارگر کار می کند، او با کارفرما و سرمایه درگیر است و این درگیری، طبیعی و گریز ناپذیر است. اصولا هر کجا و هر زمان، «قدرت» حضور یابد، در برابر آن شاهد نقاط مقاومت هستیم. از اینرو درگیری طبقه ی کارگر و بورژوازی، چیزی است واقعی و گریز ناپذیر مبارزه ی کمونیست ها بر علیه، سیستم سرمایه داری جهانی، قهر آمیز است نه سازشکارانه. این سازمان حقوق بشر است که نهایت تلاشش را می کند تا مبارزات کمونیست ها را به سازش بکشاند و در این میان کم نداریم از تشکلات موجود، از شخصیت ها و رهبران احزاب، که سازمان حقوق بشر را به رسمیت می شناسند و با ایشان سهیم و همراه هستند. عملکرد ایشان دقیقاً سازشکارانه و فروختن طبقه ی کارگر به بورژوازی است و در موارد فراوانی دیده ایم و در تاریخ است که در نقاط خاصی، به طبقه ی کارگر پشت کرده اند و نهایتاً دیده شده که آن تشکل به چه روزی افتاده است غرامت واقعی و دادخواهی کمونیست ها، دقیقاً به عکس آنچه از سخنرانی های راست و حقوق بشری، به دست آمده و طرح شده اند، ایجاد جامعه ی بدون طبقه است. با ایجاد چنین جامعه ای است که کمونیست ها و جان باخته گان در گذار اینهمه سال، و در سرتاسر جهان؛ غرامت خود را دریافت کرده و به خواست خود رسیده اند

رفقای گفتگوهای زندان، می گویند که فراحزبی و فراسازمانی هستند. از اینرو هیچ گرایش خاصی نمی تواند بر ایشان تاثیر بگذارد. اما در سمینار چهارم شاهد گرایش راست و حقوق بشری هستیم! وقتی من از ایشان می پرسم که دلیل چیست و چرا سخنرانی های راست و حقوق بشر دعوت شده اند؟ پاسخ می دهند که: ما دعوت نکرده ایم، خودشان داوطلب شده اند (در پالتاک...) و همچنین اضافه می کنند که: تنوع در سخنرانی ها، بر ارزش سمینار و دفاع از زندانیان سیاسی، افزوده است

تنوع در سخنرانی ها؟! «داوطلب بودن» ایشان؟»

در این صورت باید پرسید که: می توانید با ادعای دفاع از زندانیان سیاسی، میکروفن سمینار را در اختیار داوطلبی از ارشاد اسلامی بگذارید؟ چه تفاوتی دارد سخنرانی از ارشاد اسلامی و یا گرایش سازمان حقوق بشر که عملکرد ایشان از لحاظ تاریخی بر همگان هویدا است؟ آیا تنوع در سخنرانی ها، یک توجیه حقیر نیست که ارزش مبارزاتی و جان انقلابیون اعدام شده را، به بی ارزشی، تبدیل می کند؟ و آیا انقلابیون_ مادران خاوران و خانواده های بازمانده از کشتارهای حکومت اسلامی ایران، این توجیهات را خواهند پذیرفت؟

هر نشستی، سمیناری و یا گردهمایی و حرکتی، از همان آغازش، تصویری رسا را از روند کار و دریافت موضوع، 2_ ارائه می دهد. افتتاحیه ی گرد همایی چهارم زندانیان سیاسی در یوتوبوری سوید، اولین آدرس از گرایش راست و سبزیهایی است که میکروفن گردهمایی را در دست گرفتند و اولین سخنران شخصی به اسم «آراز فنی» (مسئول جامعه دفاع از حقوق بشر یوتوبوری، سوید) که پیشینه ی ایشان، حاکی از اکثریت و دفاع همه جانبه از سبزه ها و شخصیت هایی چون، کروی و موسوی است. به تعبیری مشهور: سالی که نکوست، از بهارش پیداست و در فردای همان روز یعنی روز دوم سمینار، هجوم حساب شده ی سبزه ها و «جامعه ی دفاع از حقوق بشر یوتوبوری سوید» آوردن گللهایی گزافی با هدف اعتراض انقلابی مینا قوامی به حضور رضا... تقدیم به سمینار، فرصت طلبانه، میکروفن سمینار را در دست گرفتند و برومندو رفیق مینووپس دادن گلها، باعث رسوایی جامعه ی حقوق بشر شد اما متأسفانه، سکوت مجموع رفقای شهری و برگزاری در رابطه با عملکرد جامعه ی دفاع از حقوق بشر، باعث شد که ایشان اطلاعیه ای منتشر کنند و کار را به جایی برسانند که از رادیو و سایت خودشان، مطالبی بنویسند که هنوز هم از سوی کمیته های دوگانه، هیچ پاسخی نگرفته حتی ایشان در یک رادیوی محلی، تقاضای مناظره کردند که من و دو رفیق دیگر برای این مناظره، اعلام آمادگی است

کردیم اما تا کنون با سکوت ایشان مواجه هستیم. لاینک زیر فضای اپورتونیستی و فهم حقوق بشری ایشان رادر خصوص موضوع بالا، نمودار می سازد

http://www.hrd4iran.se/index.php?option=com_content&view=article&id=824:2011-09-29-22-43-43&catid=1:latest-news

در گردهمانی چهارم زندانیان سیاسی در گوتنبرگ سوئد چه گذشت؟ بخشی از گفتگوی گزارشگران با همایون ایوانی 3_ از برگزار کنندگان به قرار زیر است

با کمیته برگزارکننده گردهمایی سراسری طیف وسیع تری می-توانند همکاری داشته باشند. از فعالین سیاسی چپ، کمونیست و سوسیالیست که برای آزادی همه زندانیان سیاسی تلاش می-کنند تا فعالین حقوق بشر و یا پژوهشگرانی که در این زمینه کار و تحقیق می-کنند. همچنین خانواده و بازماندگان همبندیان ما که توسط رژیم به قتل رسیده اند، به ویژه فرزندان آنان، فضایی و راهی برای همکاری با جان بدربرندگان در چارچوب این پروژه یافته-اند. این ترکیب متنوع، چون در شهرها و کشورهای مختلف زندگی می-کنند، از تمام امکانات ارتباطی مدرن که در اختیار دارند سودمی-جویند تا با هم تبادل نظرها و مشورت ها را به پیش ببرند. به طور خلاصه می-توانم این گونه جمع بندی کنم که ترکیب کمیته برگزارکننده، ترکیبی باز است و هر فردی که خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی است؛ سرنگونی جمهوری اسلامی را می-خواهد؛ و به خواسته های آزادی، سوسیالیسم و عدالت اجتماعی تعلق خاطر دارد، با کمیته برگزارکننده می-تواند وارد همکاری شود

ترکیب باز» و خصوصاً گرایش به راست و میدان دادن به «سازمان حقوق» اجازه می خواهد تا بی پرده بنویسم که همین بشر» باعث دلزدگی من و عدم همکاری بیشتر با گفتگوها بوده است. شاید این جان کلام و لب مطلب می باشد تلاش شما مبنی بر اینکه بتوانید چپ کمونیستی را باگرایش راست و حقوق بشری، زیر یک سقف قرار بدهید، شاید کوتاه مدت، موثر باشد اما به هیچوجه نمی تواند منطقی و پایدار بماند زیرا که چپ کمونیستی رادیکال، از هزار سمت و سو، هیچ خوانایی با سیستم بورژوازی و به خصوص سازمان حقوق بشر که یکی از بازوهای فکری و تئوریک سازمان ملل متحد است، ندارد. در خصوص حقوق بشری که فعالین آن در سمینار چهارم دخیل و سخنرانی کردند، همین بس که یادآوری کنم، جنایتی که در «رواندا» روی داد و مثل همیشه با سکوت و همکاری سازمان حقوق بشر مواجه شد و جالب اینجاست که پس از آن کشتار وحشیانه، برای تحکیم سیستم و حکومت امپریالیستی در رواندا، وارد میدان شد! این لکه ی ننگ تا آخرین لحظه های جاری بودن زمان، و انسان، بر پیشانی سازمان «حقوق بشر» می ماند

ویاگزارش سازشکارانه ی «احمد شهید» نماینده ی این سازمان به ایران و سکوت او در مورد زندانیانی که فعال کارگری بوده و هستند. جالب اینجاست که شمادگفتگوهای زندان، در تلاش هستید که احمد شهید را، به یک نشست دیگر دعوت کنید! این تلاش ها و نزدیکتر شدن به فعالین و سازمان حقوق بشر، بر طبق کدامین اصول و پرنسیب چپ کمونیستی، خوانایی دارد؟

دعوت از شخصی شاعر به نام «نعمت آزرم» که در راست بودن و سبز بودن او کوچکترین تردیدی نیست، مثل 4_ موارد بالا، طبق چه معیارهایی صورت گرفت؟ آیا این توجیه که ایشان هم «لابد» داوطلب شرکت در سمینار بوده اند، برای خانواده های جان به در بردگان کشتارهای رژیم شاهی و حکومت اسلامی و مبارزین انقلابی، از نظر شما قابل قبول است؟

مگر نه این است که آقای نعمت آزرم، اولین کسی است که لقب «امام» را به خمینی داد؟ لطفاً به شعرا ایشان در این رابطه نگاه کنید

سوی پاریس شو! ای پیک سبکبال سحر
إنامة مردم ایران سوی آن رهبر بر

تا ببال و پر خونین نشوی سوی امام
هم پر و بال بشویی به گلاب قمصر

نامه ای از سوی ابنای وطن نزد امام
.. تهنیت نامه ای از خلق به سوی رهبر

ای امامی که ترا نیست زعیمی همدوش
ای خمینی که ترا نیست به گیتی همبر

آیا واقعات متوجه این ناهمگونی و ادعای سوسیالیستی و دفاع از زندانیان سیاسی، هستید؟ در نهایت تعجب، هنگامی که بانقد و بررسی رفقای اتاق «لوگوس» روبرو می شوید، به جای پاسخ، سعی می کنید که ایشان را به تواب و وابسته به حکومت اسلامی، متهم کنید آیا این شیوه ی سرکوب و سانسور، هنوز برای شما کهنه نشده و دارای اعتبار است؟ اما تا چند؟ مگر می توانید پدیده های تاریخ و زمان، رابه هیچ بیانگرید؟ آیا واقعات خانواده های بازمانده از آنهمه کشتار در گذار دهه ها، در برابر این موضوعات، مهربانانه سکوت خواهند کرد؟ پاسخ شما به خانواده های بازمانده از کشتارها _ فعالین کارگری _ چپ کمونیستی _ انقلابیون و تاریخ، چه می تواند باشد؟

مگر درک درست از فهم سوسیالیستی و کمونیستی، ایجاد جامعه ی بدون طبقه نیست؟ و هنگامی که می گوئیم «جامعه ی بدون طبقه» آیا حقوق بشر واقعی را در نظر نداریم! این چگونه است که شما این دره ی بسیار عمیق مابین این دریافت و مبارزه را با «سازمان حقوق بشر» ی که همواره در پی منافع سرمایه داری جهانی بوده و هست، نظاره نمی کنید؟ هیچ نقدی بر ایشان ندارید و تازه بعد از آنهمه انتقادهایی که از سوی تعدادی از رفقای رادیکال کمونیست شد، تازه در تلاش هستید تا «احمد شهید» را مهمان باشید!! آیا گزارش سازشکارانه و سکوت احمد شهید در مقابل آنهمه جنایت روی داده در ایران، کافی نبوده است؟ تازه شما می خواهید که به ایشان و سازمانی که دقیقاً در خدمت سرمایه است، اعتبار بدهید! (البته این معتبر دانستن از سوی شما و تشکلاتی که همسوی با حقوق بشر هستند، خیلی هم برای نویسنده ی این نوشتار، عجیب زیرا که خود در مصاحبه با گزارشگران، آشکارا مطلب را عنوان کرده اید) این مخدوش کردن _ و بعید نبوده و نیست عرصه ی مبارزه، دارای چه مفاهیمی است؟

من اندیشه ی شما را در خصوص سازمان حقوق بشر، در اینجا، تنها به یک نکته جلب میکنم. شما مطلع هستید که واژه های ترکیبی «حقوق بشر» که توسط سازمان جهانی آن، به کار رفته است در خصوص کلمه ی «بشر» کاملاً مخدوش و گنگ است و معلوم نکرده است که از کدامین طبقه از بشر، دفاع می کند؟! و مگر نه این است که سرمایه دار هم بشر است؟ و کارگر سفره خالی هم، بشر است؟ از اینرو مسئله دقیقاً به نگاه طبقاتی مربوط می شود و عملکرد این سازمان هزار سر، از لحاظ تاریخی، تنها و تنها در خدمت سیستم سرمایه و طبقه ی بورژوازی بوده است. آیا ایجاد جنگها _ آشتی دادن اپوزیسیون ها با حکومت ها و کشورها _ یاری رساندن به سازمان ملل متحد از لحاظ تئوریک و نفوذ در میان صفوف طبقات و مبارزین انقلابی و در نهایت «منفعل ساختن» مبارزات جنبش ها بر علیه کاپیتالیزم، در جهت پیشبرد اهداف بورژوازی و سیستم سرمایه داری جهانی نیست؟ اصولاً نقش سازمان حقوق بشر در مورد طولانی ترین جنگ قرن، یعنی ایران و عراق و همچنین جنگ و اشغال افغانستان، و بسیاری مصایب در آفریقا، خصوصاً واقعه ی رواندا و کشتار بیش از یک میلیون از مردم در آنجا، چه بوده است؟

آری سمینار چهارم زندانیان سیاسی، گرایش و چرخش به راست داشته است و تا زمانی که «گفتگوهای زندان» به نقد از خود و باز کردن این مسئله ننشینند، از نگاه من در کنار تشکلاتی قرار گرفته اند که با گرایش رفرمیستی و راست و حقوق بشری، بی اعتبار و خالی از مفاهیم سوسیالیستی و چپ کمونیستی رادیکال، خواهد بود. سازشی که گفتگوهای زندان با سیستم سرمایه داری، به پیش می برد، هرگز از دیدگاه مبارزین و پدیده های زمان و تاریخ، برای همیشه پنهان نمی ماند من تا زمانی که دریافت و باوری رادیکال و جامعه ی بدون طبقه و خالی از حضور کوچکترین عنصر از سرمایه داری در آن می بینم، به نقد آن دست خواهم زد. زیرا که برای آن «ارزش قایل هستم اما اگر نقد ها و نظرات، پاسخ نمی گیرند، حالت نقد به نوعی افشاگری، تبدیل می شود که می بایستی بدون کوچکترین اغمازی، پیش روی دیده گان مردم و مبارزین انقلابی، قرار بگیرد. درگیری قهر آمیز طبقه ی کارگر، با سیستم سرمایه است که این دریافت و فهم را جای انداخته است و اصولاً کمونیست های تبعیدی، چیزی برای از دست دادن های بیشتر، ندارند، مگر زنجیرهای تبعید